



presumption of causation and inconclusive recognition of cause in Iranian and English law

Sepideh Ranjbar

PHD Student of Department of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran
sepidehranjbar1985@yahoo.com

Seyed Hosein Safaei (Corresponding Author)

retired professor of Private Law Department of University of Tehran, Tehran, Iran
hsafaaii@ut.ac.ir

Mansoor Amini

Associate professor of Department of law and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
aminimansour@yahoo.fr

Hasan Badini

Faculty Member, Department of Private Law, Faculty of Law, University of Tehran, Tehran, Iran.
hbadini@ut.ac.ir



Use your device to scan
and read the article online

Citation Sepideh Ranjbar, Seyed Hosein Safaei, Mansoor Amini, Hasan Badini.
[presumption of causation and inconclusive recognition of cause in Iranian and English
law (Persian)]. *Islamic Law (A Quarterly Journal of Law)*. 2025; 22 (85): 169-195

 [10.22034/ilaw.2024.711691](https://doi.org/10.22034/ilaw.2024.711691)

Received: 02 December 2022 , Accepted: 15 January 2024

Abstract:

In an action of tort, the relationship between the harmful act and the damages must be found and the burden of proof is borne by the plaintiff. But sometimes it is very difficult to prove this relationship, despite the negligence of defendant and the evidence of being cause. In this cases it is not justice-full to left defendant without any responsibility, so in some legal systems, the relationship is considered assumed exceptionally and admittedly. regarding the implicit implications of some Acts and, considering the judicial sentences, this assumption can be exceptionally accepted in Iranian law. English law in this aspect has similar situation. In this article, in addition to providing the preparations for accepting this assumption in Iranian law, it is argued that one of most clear instance of using this assumption is the case of inconclusive recognition of cause.

Keywords

"tort", "causation", "assumption of causation", "but-for test", "inconclusive recognition of cause", "inconclusive information"



Copyright © 2024 The Author(s);

This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC-BY-NC:
<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode.en>),

which permits use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.



شېرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پر تال جامع علوم انسانی



نظریه فرض رابطه سببیت در قانون

و رویه قضایی ایران و انگلیس

سپیده رنجبار

دانشجوی دکتری رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
sepidehranjbar1985@yahoo.com

سیدحسین صفایی (نویسنده مسئول)

استاد بازنشسته گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
hsafaii@ut.ac.ir

منصورامینی

دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران.
aminimansour@yahoo.fr

حسن بادینی

عضو هیئت علمی گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، تهران، ایران.
hbadini@ut.ac.ir

Use your device to scan
and read the article online



Citation Sepideh Ranjbar, Seyed Hosein Safaei, Mansoor Amini, Hasan Badini. [presumption of causation and inconclusive recognition of cause in Iranian and English law (Persian)]. *Islamic Law (A Quarterly Journal of Law)*. 2025; 22 (85): 169-195
doi: [10.22034/ilaw.2024.711691](https://doi.org/10.22034/ilaw.2024.711691)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵

چکیده

در دعوای مسئولیت مدنی، رابطه سببیت میان فعل زیان بار و خسارت وارده باید محرز گردد و بار اثبات این امر بر عهده خواهان است، اما گاه اثبات این رابطه، علی رغم مقصر بودن خوانده و وجود شواهدی بر مسبب بودن وی، بسیار دشوار است و عدالت و منطق مبرا دانستن خوانده را بر نمی تابد. در این موارد در برخی نظام های حقوقی به صورت محدود و استثنایی، رابطه سببیت مفروض قلمداد گردیده و بار اثبات آن از عهده خواهان برداشته شده است. با توجه به دلالت ضمنی برخی مواد قانونی و با عنایت به آرای قضایی می توان این فرض را به نحو استثنایی در حقوق ایران نیز پذیرفت. حقوق انگلیس هم در این خصوص وضعیت مشابهی با ایران دارد که مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله ضمن فراهم نمودن مقدمات پذیرش این فرض در حقوق ایران، استدلال شده است که یکی از موارد اعمال آن، سبب معجل می باشد.

واژگان کلیدی

مسئولیت مدنی، رابطه سببیت، فرض سببیت، معیار «اگر نبود»، علم اجمالی.



مقدمه

برای تحقق مسئولیت مدنی تنها وجود خسارت و تقصیر یا فعل زیان بار کافی نیست، بلکه باید رابطه سببیت یا علیت بین خسارت وارده و تقصیر یا فعل زیان بار وجود داشته باشد. عدالت و منطق حکم می کند که هیچ کس مسئول زبانی که ناشی از تقصیر یا فعل او نیست نباشد (صفایی و رحیمی، ۱۴۰۰، ص ۲۰۴).

حقوقدانان، رابطه سببیت را وجود رابطه علیت عرفی میان عمل زیان بار و ضرر دانسته اند. به این معنا که عرف باید میان عمل زیان بار و ضرر، رابطه ای تصویر نماید؛ به گونه ای که حسب جریان عادی امور، فعل زیان بار منجر به وقوع خسارت شود (یزدانیان، ۱۳۸۶، ص ۲۶۰) از نظر برخی فقها، سبب عبارتست از عملی که همراه علت است یعنی عملی که بدون آن علت اثرگذار نمی باشد، مثل حفر چاه ۱ (شهید اول، [بی تا]، ص ۱۰۷) همچنین علامه حلی در بحث قصاص می نویسد: سبب آن است که اثری در تولید [جنایت] داشته باشد، همان گونه که علت چنین اثری دارد ۲ (علامه حلی، ۱۴۱۹ ق، ص ۵۸۹).

لزوم وجود رابطه سببیت میان فعل خواننده و زیان وارد شده به خواننده به قدری آشکار است که نیازی به توضیح و استدلال ندارد. سببیت ابزاری برای محدود ساختن دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از تقصیر است. به این نحو که اگر خواننده سبب ورود زیان نباشد، از مسئولیت مبرا می شود. با این حال سببیت کارکرد معکوس این امر را ندارد؛ یعنی در صورت احراز رابطه سببیت میان فعل خواننده و زیان، الزاما خواننده مسئول جبران خسارت نخواهد بود (Weinrib, 1975, p.518).

در حقوق ایران عبارات مختلف قانونی به ویژه جمله «...مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد» در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و عبارت

۱. «فعل ملزوم العله كحفر البئر».

۲. «السبب ماله اثر ما فی التولید كما للعله».

«نتیجه حاصله مستند بر رفتار مرتکب باشد» در ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و عبارت مشابه در ماده ۵۲۸ همان قانون بیان‌کننده همین رابطه سببیت است (صفایی و رحیمی، ۱۴۰۰، ص ۲۰۴) در کامن‌لا نیز، وجود رابطه سببیت حلقه‌ای است که فعل زیان‌بار و زیان را به یکدیگر متصل و مرتبط می‌سازد. به همین علت، جز در موارد استثنایی، احراز رابطه سببیت یا استناد عرفی ضروری خواهد بود. نویسندگان حقوقی به صراحت رابطه سببیت را یکی از شرایط اقدام زیان دیده برای مسئولیت مدنی عامل زیان دانسته‌اند (Mills, 2002, p.29). در حقوق مسئولیت مدنی انگلیس، این اصل اساسی حاکم است که مدعی خسارت تنها در صورتی که بتواند، رابطه سببیت میان رفتار خطا کارانه خواننده و ورود خسارت را اثبات نماید، در دعوا پیروز می‌شود ((Sienkiewicz v Greif (UK) Ltd. [2011] UKSC 10 (Sienkiewicz)). اگرچه اثبات رابطه سببیت امری بدیهی است و بار اثبات آن بر عهده خواهان است، اما در موارد بسیار نادری، عدالت اقتضا می‌کند که این بار از عهده خواهان برداشته شود و برای کمک به وی و احقاق حقوق او به‌طور استثنایی، این رابطه مفروض قلمداد شود. موضوعی که این مقاله به بررسی آن می‌پردازد.

- پرسش و فرضیه تحقیق

با عنایت به عدم توجه حقوق‌دانان به موضوع نظریه فرض رابطه سببیت در حقوق ایران، آیا می‌توان این نظریه را در حقوق ایران شناسایی کرد؟ آیا در حقوق انگلیس، این نظریه پذیرفته شده است؟ بدیهی است در این پژوهش در صدد یافتن حدود و قلمرو اعمال این نظریه نیستیم و توجه اصلی مصروف بررسی امکان پذیرش نظریه در حقوق ایران است. فرضیه تحقیق با عنایت به رویه قضایی و با استفاده از مقررات قانونی خاص، امکان پذیرش محدود آن در حقوق ایران است. در حقوق انگلیس نیز قانون و رویه قضایی

این امر را به صورت محدود قبول نموده است.

- پیشینه پژوهش

در حقوق ایران، نسبت به موضوع فرض رابطه سببیت توجه کافی نشده و در این خصوص مقالات اندکی نگاشته شده است. حسب بررسی نگارنده دو مقاله در این خصوص جامه طبع پوشیده است (حاجی عزیزی و غلامی، ۱۳۹۲، روانان، ۱۳۹۹) که در این مقالات نیز ظاهراً نظریه فرض سببیت در حقوق ایران پذیرفته نشده است و نویسندگان آن بیان می کنند که در حقوق ایران فرض سببیت، چندان مورد توجه حقوقدانان قرار نگرفته و بدان پرداخته نشده است و در آثار آنان و نیز رویه دادگاهها مصداقی از این فرض در قلمرو مسئولیت قهری، مشاهده نمی گردد (حاجی عزیزی و غلامی، ۱۳۹۲، ص ۲۸) همچنین از نگاه ایشان اماره سببیت نه جنبه قانونی دارد، و نه جنبه قضایی و نمی تواند دلیل معتبری برای جبران خسارت باشد (روانان، ۱۳۹۹) اما در این تحقیق برخلاف دو پژوهش یادشده، نویسنده بر این باور است که در حقوق ایران نیز چاره‌ای جز پذیرش محدود نظریه فرض سببیت وجود ندارد و در عمل نیز رویه قضایی در دو کشور موضوع مطالعه در برخی پرونده‌ها، آن را اعمال کرده است. همچنین قانونگذار در پاره‌ای موضوعات خاص، بار اثبات رابطه سببیت را بر عهده خوانده قرار داده است که این امر حکایت گر پذیرش جزئی نظریه مذکور توسط قانون می باشد.

درخصوص موضوع مسئولیت مدنی سبب مجمل نیز اگرچه مقالاتی نگاشته شده است، اما در این مقالات عمدتاً به این موضوع پرداخته شده است که با وجود علم اجمالی، چه راهکار حقوقی و فقهی از میان برآید، قرعه، مسئولیت تضامنی، مسئولیت مساوی، پرداخت از بیت المال و توزیع خسارت توسط حاکم، برای جبران زیان پذیرفته شود (جعفری چالشتی و دیگران، ۱۳۹۸/ روانان و دیگران، ۱۳۹۸/ کلانتری خلیل آباد و سلیمانی

پای طاق، ۱۳۹۴) که اتفاقاً پذیرش راهکار پرداخت خسارت از بیت المال یا قرعه در برخی از این مقالات به معنای عدم پذیرش فرض رابطه سببیت است. در مکتوبات ارایه شده، پژوهش گران بر این امر اهتمام می ورزند که در موارد علم اجمالی به سبب، مسئول پرداخت خسارت و دیه، بر چه مبنایی و چگونه باید انتخاب شود؟ و اگر همه اطراف علم اجمالی مسئولند، چگونه باید مسئولیت میان ایشان توزیع شود؟ در مکتوبات دیگری نیز اهتمام نگارندگان بر تبیین مقررات قانون مجازات اسلامی جدید و راهکارهای حقوق تطبیقی در باب سبب مجمل می باشد (احمدی و احمدی، ۱۳۹۵/ افشار قوچانی و حسینی، ۱۳۹۳) اما مقاله پیش رو فارغ از این دغدغه هاست و اساساً موضوع اصلی آن سبب مجمل نمی باشد، بلکه با بهره گیری از رویکرد جدید قانون مجازات اسلامی در مسئله سبب مجمل، دیدگاه های فقهی در مسئله غصب، برخی مقررات قانونی، رویه قضایی ایران و انگلیس و تجربیات کشور انگلیس، در صدد یافتن راهی برای پذیرش نظریه «فرض سببیت» در حقوق ایران است. در واقع در آثار پیش گفته، نویسندگان اهتمام به ارایه نظریه مذکور نداشته اند برخلاف این مکتوب که می کوشد، از پذیرش نظریه فرض سببیت، در حقوق ایران در موارد خاص دفاع کند و آن را همانند نظریه «فرض تقصیر» در موارد محدود، شناسایی نماید. توجه به پرسش های اصلی تحقیق، به خوبی از این امر، حکایت می کند.

شایان ذکر است که این نظریه، عمر چندانی ندارد. در حقوق انگلیس، پذیرش موضوع از پرونده فیرچیلد در سال ۲۰۰۳، با عدول از شیوه های سنتی در تشخیص سبب، آغاز گردید و در قانون غرامت ۲۰۰۶ مقررهای در خصوص بیماری مزوتلیوما به تصویب رسید. در حقوق ایران نیز می توان پرونده هموفیلی ها را در این عرصه پیشتاز دانست. البته تاکنون حقوقدانان سخنی از پذیرش این نظریه به میان نیاورده اند و پیرامون امکان و حدود پذیرش آن بحث های قابل ملاحظه ای صورت نگرفته است. از این رو پژوهش

پیش رو، مبحث جوان و نوینی را در حقوق ایران بررسی می‌کند و می‌تواند فتح بابی برای بررسی دقیق‌تر آن و موضوعی برای تضارب آرا باشد. در این نوشتار ابتدا به اهمیت رابطه سببیت در مسئولیت مدنی می‌پردازیم و سپس از نحوه اثبات آن سخن می‌گوییم. در ادامه با عنایت به رویه قضایی و قانون، امکان پذیرش فرض سببیت به‌طور کلی می‌پردازیم و پس از آن، به‌طور خاص، لزوم قبول این فرض در موارد اجمال سبب را تبیین می‌کنیم.

۱. اهمیت رابطه سببیت

لزوم احراز رابطه سببیت برای اثبات مسئولیت مدنی خوانده، امری بدیهی است و در نظام‌های حقوقی مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. رجوع و استناد به مفهوم سببیت در محکومیت به پرداخت خسارت به قدری گسترده است، که حتی می‌توان احراز آن، برای اثبات مسئولیت مدنی را از اصول کلی حقوقی در حقوق بین‌الملل، قلمداد کرد (هنجی، ۱۳۹۶). اصول کلی حقوقی در حقوق بین‌الملل به آن دسته از قواعد و اصولی اطلاق می‌شود که جنبه عام داشته و توسط کشورهای گوناگون مورد شناسایی قرار گرفته است. برخلاف رویه تجاری که اصولاً به یک شاخه خاص از تجارت و یا به یک محدوده خاص محدود است، اصول کلی حقوقی به قدری عام و کلی هستند که در شاخه‌های گوناگون تجارت و در کشورهای مختلف که دارای طرز فکرای متفاوت هستند، مورد پذیرش قرار گرفته اند (شیروی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۵).

در حقوق انگلیس احراز رابطه سببیت برای اثبات مسئولیت مدنی، امری ضروری و اساسی است و بدون احراز این رابطه امکان صدور رای علیه خوانده وجود ندارد. در پرونده (Sienkiewicz v Greif (UK) Ltd. UKSC 10 [2011]) این حکم صادر گردید: این یک اصل اساسی در حقوق مسئولیت مدنی است که مدعی خسارت تنها در صورتی که بتواند بر مبنای تعادل احتمالات، رابطه سببیت میان رفتار خطا کارانه خوانده

و ورود خسارت را اثبات نماید، در دعوا پیروز می‌شود.

۲. اثبات رابطه سببیت

اثبات وجود رابطه سببیت به عهده زیان دیده است. اصولاً وی باید ثابت کند که رابطه سببیت حتماً وجود داشته است. رابطه سببیت از هر راهی قابل اثبات است و قاضی می‌تواند صرفاً به کمک قراینو اماره‌های واقعه تصمیم‌گیری کند، اما در مرحله اثبات شرط حتمیت رابطه سببیت، سخت‌گیری کمتری اعمال می‌شود، زیرا اگر احتمال کافی برای سببیت وجود داشته باشد، قاضی اغلب به همین احتمال اکتفا می‌کند. بنابراین شرط حتمیت رابطه سببی، نسبی است. برای مثال هنگامی که هواپیما دیوار صوتی را می‌شکند و صدای انفجار ایجاد می‌شود و در پی آن ساختمانی فرو می‌ریزد، رویه قضایی گاهی به صرف نبودن هیچ‌گونه رویداد دیگر که باعث خسارت شده باشد، حکم به وجود رابطه سببیت می‌دهد و این رویداد را سبب زیان تلقی می‌کند (ژوردن، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸).

در حقوق مسئولیت مدنی انگلیس، مدعی به‌طور کلی بار اثبات رابطه سببیت را بر دوش می‌کشد و باید اثبات کند که رفتار نادرست خواننده سبب ورود ضرر بوده است.^۱ این ادعا با به‌کارگیری معیار یا آزمون «اگر نبود» (But for)، اثبات می‌گردد. خواهان باید اثبات نماید که اگر رفتار خطاکارانه خواننده وجود نداشت یا تحقق نمی‌یافت، خسارتی هم به خواهان وارد نمی‌شد یا دست‌کم اثبات کند که رفتار خطاکارانه خواننده، در ورود خسارت نقش داشته است (جزئی از سبب بوده است، نه تمام آن) (<http://classic.austlii.edu.au/au/journals/UQLawJl/2012/12.pdf>).

این معیار در کامن‌لا، به‌طور گسترده توسط دادگاه‌ها برای احراز رابطه سببیت

۱. در پرونده (Sienkiewicz v Greif (UK) Ltd. [2011] UKSC 10) این حکم صادر گردید: این یک اصل حقوق مسئولیت مدنی است که مدعی خسارت تنها در صورتی که بتواند بر مبنای تعادل احتمالات، اساسی در رابطه سببیت میان رفتار خطاکارانه خواننده و ورود خسارت را اثبات نماید، در دعوا پیروز می‌شود.

استفاده شده و البته به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. در خارج از جهان کامن‌لابه آن sine-qua-non می‌گویند. این معیار نشان می‌دهد که فعل یا ترک فعل خوانده، سبب ایجاد نتیجه مضر است، مشروط بر آن که نتیجه مضر، بدون آن فعل یا ترک فعل، رخ نمی‌داد (Plakokefalos, 2015, p.476) بر اساس این معیار، یک عمل (اعم از فعل و ترک فعل) سبب ورود خسارت می‌باشد، به نحوی که اگر آن عمل نبود، خسارتی هم وارد نمی‌شد. به این معنا که آن عمل شرط ضروری ورود خسارت باشد (Wright, 1985, p.1775).

در حقوق انگلیس این معیار در پرونده Barnett v Chelsea & Kensington Hospital Management Committee [1968] 2 WLR 422، توسط دادگاه به کار گرفته شد. در این پرونده، سه نفر در ساعت ۸ صبح در تاریخ ۱ ژانویه ۱۹۶۶، به بخش اورژانس بیمارستانی مراجعه نمودند و با یک پرستار صحبت کردند و به او گفتند که از ساعت ۵ صبح به بعد، پس از نوشیدن چای، حالت تهوع دارند. آنها پیش از این یعنی حدود ۴ صبح نیز به دلیل این که یک فرد مزاحم با میله آهنی به سر یکی از ایشان کوبیده بود، به این بیمارستان مراجعه کرده بودند. پزشک بدون این که آنها را ببیند، از طریق تلفن به پرستار توصیه می‌کند که از بیمارستان مرخص شوند و به پزشک شخصی خود مراجعه کنند. یکی از این سه نفر به نام آقای بارنت، حدود پنج ساعت بعد، در اثر مسمومیت آرسنیک فوت کرد. خانم بارنت، دعوای مسئولیت ناشی از بی‌احتیاطی علیه بیمارستان مطرح کرد.

قاضی تصریح کرد که بیمارستان مسئول نیست. با این استدلال که حتی اگر بیمارستان، آقای بارنت را می‌پذیرفت، احتمال این که دارو بر وی اثر می‌کرد و از مرگ او جلوگیری می‌کرد، بسیار کم یا حتی صفر بود. همچنین اگرچه بیمارستان استانداردهای مراقبت را نقض کرده بود، اما این امر سبب مرگ آقای بارنت نبود. امتناع دکتر از درمان یک بیمار که بعد از بلعیدن آرسنیک به نظر می‌رسد، علت واقعی در مرگ پس از بیمار نیست، اگر ثابت

شود که حتی درمان مناسب او را نجات نمی‌داد. شایان ذکر است که معیار اگر نبود، توسط دادگاه و دیوان‌های بین‌المللی نیز به‌طور صریح یا به‌طور ضمنی، مورد استفاده قرار گرفته است (Plakoke-falos, 2015, p. 477) البته این معیار به‌طور کلی قاعده‌ای کارآمد به‌شمار می‌آید، اما همیشه پاسخ صحیح را ارائه نمی‌دهد و از همین رو دادگاه‌ها در موارد خاص، از معیارهای جایگزین بهره می‌گیرند (Kozioł, Helmut, 2015, p. 398).

۳. فرض سببیت

تاکنون درخصوص اهمیت رابطه سببیت و لزوم اثبات آن توسط خواهان، سخن گفتیم، اما با وجود این که بار اثبات رابطه سببیت بر عهده مدعی است، گاه قانونگذار و رویه قضایی برای رعایت عدالت، این بار را از عهده خواهان برمی‌دارد و اثبات آن را ضروری نمی‌داند. در این موارد قانونگذار رابطه سببیت میان فعل خواننده و ضرر وارده را مفروض دانسته و قاعدتا در صورت اثبات تقصیر خواننده، وی را محکوم می‌نماید.

گاه اثبات رابطه سببیت بسیار دشوار است و منوط کردن پرداخت خسارت به اثبات رابطه سببیت ناعادلانه به نظر می‌رسد. برای نمونه هرگاه بیمار پس از استفاده از خون آلوده، به بیماری خونی مانند هیپاتیت مبتلا می‌شود یا در پی استنشاق گاز سمی، به بیماری ریوی آلوده می‌گردد، اثبات این که علت بیماری، صرفاً اقدامات غیرقانونی مذکور است، سخت است، زیرا ممکن است که فرد مبتلا از راه‌های دیگری، به آن بیماری گرفتار شده باشد که بررسی تمام این راه‌ها، عملاً دشوار یا غیرممکن است. همچنین است در مواردی که شکستن دیوار صوتی توسط هواپیما، باعث فرو ریختن ساختمان می‌گردد.

در این موارد حقوق به کمک زیان دیده می‌آید و رابطه سببیت میان فعل زیان بار خواننده و ضرر وارده را مفروض قلمداد می‌کند. در واقع همان گونه

که گاه تقصیر فرض می‌شود - به این علت که ماهیت حادثه به گونه‌ای است که غالباً بدون این که وارد کننده زیان تقصیری مرتکب شده باشد، روی نمی‌دهد - گاهی نیز همین تدبیر درخصوص رابطه سببیت اعمال می‌شود و زیان دیده می‌تواند با استناد به نظریه فرض رابطه سببیت بار اثبات را از دوش خویش بردارد (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۲). برخی حقوقدانان نیز در توضیح این فرض گفته‌اند که اگر احتمال کافی برای سببیت وجود داشته باشد، قاضی اغلب به همین احتمال اکتفا می‌کند و با حذف اسباب دیگر رابطه سببیت را احراز می‌کند. اثبات رابطه سببیت به این شیوه را اماره یا فرض سببیت دانسته‌اند (ژوردن، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸).

از آن جا که در حقوق ایران موضوع پذیرش فرض سببیت، کاملاً جدید است و حقوقدانان به اندازه کافی به بررسی و تبیین آن نپرداخته‌اند، در ادامه این مقاله با بررسی موارد فرض سببیت در رویه قضایی و قانون و بررسی تطبیقی موضوع با حقوق انگلیس، درصدد گشودن راهی برای اثبات پذیرش این فرض در حقوق ایران می‌باشیم.

۳-۱. فرض سببیت در رویه قضایی

در رویه قضایی ایران، فرض رابطه سببیت در پرونده موسوم به هموفیلی‌ها پذیرفته شده است. در این پرونده، خواهان بیان می‌کنند که به دلیل ابتلای مادرزادی به بیماری هموفیلی، ناچار به استفاده از فرآورده‌های خونی بوده و در اثر مصرف فرآورده‌های آلوده، که توسط خواندگان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان انتقال خون ایران ارایه شده، به بیماری هپاتیت C مبتلا گردیده است. در این دعوا هر چند که آلودگی بیماران به هپاتیت C و استفاده بیماران از خون‌های آلوده و حتی تقصیر خواندگان به دلیلعیب و نقص وسایل و تجهیزات و همچنین ابزار اداری در تولیدات داخلی و واردات فرآورده‌های خونی محرز است، اما وجود رابطه سببیت میان ابتلای به بیماری مذکور و استفاده از خون‌های آلوده، کاملاً محرز

و آشکار نمی‌باشد. با این توضیح که تنها راه ابتلای خواهان به آن بیماری، استفاده از فرآورده‌های خونی ازایه شده توسط خواندگان نیست بلکه ممکن است، علت انتقال این بیماری به خواهان رابطه جنسی یا تزریق مواد مخدر و... باشد. با این حال دادگاه نخستین و تجدیدنظر با مفروض قلمداد کردن رابطه سببیت میان ابتلای به بیماری و استفاده از فرآورده‌های خونی ازایه شده توسط خواندگان، آنها را به جبران خسارت محکوم می‌کنند.

ایراد عدم احراز رابطه سببیت در مراحل رسیدگی به این پرونده مطرح شده است و دادگاه در آرای صادره به این ایراد پاسخ داده است. در دادنامه شماره ۰۱۰۸۰ مورخ ۸۸/۱۱/۲۱ شعبه اول دادگاه عمومی حقوق تهران، دادگاه نخستین در توجیه احراز رابطه سببیت بیان می‌کند: «دفاع مطروحه درخصوص عدم احراز رابطه علیت و سببیت در این پرونده ازسوی خواندگان قابلیت توجه ندارد چراکه به استناد آرای قطعیته یافته استنادی قصور خواندگان در انجام وظایف قانونی منجر به آلوده شدن خواهان محرز می‌باشد ...»

در دادنامه تجدیدنظر شعبه دوازدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران به شماره ۹۰۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۶۴۰ نیز چنین استدلال شده است: «طبق نظریه کمیسیون پزشکی قانونی (متشکل از متخصصین پزشکی قانونی، ویروس‌شناسی و عفونی) که مصون از اعتراض موجه باقی مانده و مغایرت آن با اوضاع و احوال معلوم و محقق‌مورد کارشناسی محرز نگردیده، مبتلا بودن تجدیدنظرخوانده به بیماری هموفیلی از بدو تولد و دریافت خون از سازمان انتقال خون و ابتلای مشارالیه به ویروس هپاتیت C از سال ۱۳۷۶ محرز بوده است؛ هرچند راههای انتقال ویروس هپاتیت C مختلف است، چون طریق متعارف انتقال بیماری مذکور، تزریق خون و فرآورده‌های خونی است و انتقال ویروس از طریق سایر روشها، محل تردید است. از طرفی دراستفاده تجدیدنظرخوانده از فرآورده‌های خونی تردیدی وجود ندارد، در نتیجه وجود رابطه سببیت میان

انتقال خون و ابتلای تجدیدنظرخوانده به ویروس هپاتیت C مفروض است و در مانحن فیه دلیل و مدرکی که مثبت تحقق روش دیگر انتقال ویروس و موید عدم وجود عیب در فرآورده‌های خونی باشد، اقامه نگردیده است» (<https://jri.ac.ir/shop/b1JnTTRWRGNqc2c9/detail.html>).

ملاحظه می‌گردد که دادگاه تجدیدنظر، علی‌رغم وجود راه‌های دیگر انتقال بیماری، رابطه سببیت میان فعل خواندگان و بیماری را، به دلیل عدم وجود دلیل یا مدرکی که مثبت تحقق روش‌های دیگر انتقال بیماری باشد، مفروض قلمداد کرده است.

مورد دیگر فرض رابطه سببیت، سبب مجمل است یعنی زمانی است که اشخاص متعددی مرتکب فعل زیان بار شده باشند و به خواهان ضرری وارد شده باشد، ولی مشخص نباشد که ضرر توسط کدام یک از ایشان ایجاد شده است. در این خصوص نیز آرای متعددی به خصوص در مورد قتل از مراجع قضایی صادر شده است که در آنها حکم به استقراع برای تعیین شخص پرداخت کننده غرامت یا دیه شده است. برای نمونه در دادنامه شعبه بیست و چهار دیوان عالی کشور در خصوص دادنامه شماره ۹۱/۷/۳۰ - ۰۶۱۸ تجدیدنظر خواسته، بیان شده است که «...باتوجه به اظهارات شاکی و بعضی از شهود در خصوص تخریب شیشه منزل شاکی که یک سنگ بزرگ به شیشه اصابت کرده و موجب شکسته شدن آن گردیده متهم یک نفر بیشتر نمی‌تواند باشد در صورت عدم اقرار متهمین دادگاه باید قاعده علم اجمالی در شبهه محصوره اجراء نماید یعنی باید بین متهمین قرعه کشی کند کما اینکه در ماده ۳۱۵ ق.م.اسلامی ۱ مقرر گردیده است لذا در این مورد درخواست آقای الف.خ. به استناد بند ۶ ماده ۲۷۲ ق.آ.د.ک پذیرفته می‌شود پرونده جهت رسیدگی به دادگاه هم‌عرض دادگاه صادر کننده

۱. این ماده براساس قانون جدید یعنی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نسخ گردیده و در حال حاضر، ماده ۴۷۹ قانون جدید در خصوص سبب مجمل تحولاتی در حقوق ایران ایجاد کرده است. در ادامه این مقاله پیرامون دلالت ماده مذکور، مباحثی مطرح می‌گردد.

رای قطعی ارجاع می‌گردد...». در این پرونده نیز به وضوح مشخص است که دادگاه معین نبودن سبب ورود خسارت را دلیل بر تبرئه متهمان ندانسته است و به‌طور ضمنی بر این موضوع تأکید می‌کند که میان فعل متهمی که با قرعه مشخص می‌شود و زیان وارده، رابطه سببیت وجود دارد یا به بیان دقیق‌تر این رابطه مفروض است.

در حقوق انگلیس نیز، در مواردی که احتمال بروز بیماری از راه‌های دیگر، غیر از راهی که تحقق آن مسلم است، وجود دارد، دادگاه با مفروض قلمداد کردن رابطه سببیت، به جبران خسارت، حکم کرده است. در واقع مدعی به‌طور استثنایی از اثبات این موضوع که خوانده سبب خسارت وی بوده است، معاف می‌گردد. برای نمونه جایی که مدعی از مزوتلیوما (Mesothelioma: سرطان ناشی از آزبست) رنج می‌برد و به‌دلیل محدودیت‌های علم پزشکی، تعیین این که رفتار نادرست خوانده، سبب بروز این بیماری بوده یا نه، غیر ممکن باشد، خواهان صرفاً با نشان دادن اینکه رفتار نادرست خوانده، خطر ابتلای وی به مزوتلیوما را افزایش داده، می‌تواند اثبات کند که خوانده مسئول جبران خسارت ناشی از مزوتلیوما است. این استثنا از قاعده کلی با تصمیم در پرونده موسوم به فیرچیلد، شروع شد (<http://classic.austlii.edu.au/au/journals/UQLawJl/2012/12.pdf>).

در این پرونده (Fairchild v Glenhaven Funeral Services Ltd) 32 AC 1 [2003]) آقای فیرچیلد برای کارفرمایان مختلفی که هریک از آنها جایگزین کارفرمای قبلی شده بود، کار می‌کرد و همه آنها به‌طور غیرمحتاطانه او را در معرض ماده سمی آزبست قرار داده بودند. آقای فیرچیلد به بیماری مزوتلیوما مبتلا شد. او سپس فوت کرد و همسرش علیه کارفرمایان دعوای مطالبه خسارت ناشی از بی‌احتیاطی، مطرح نمود. تعدادی از کارگران دیگر نیز که دارای شرایط مشابه بودند، در مرحله تجدیدنظر به این پرونده پیوستند. در این پرونده به‌دلیل گذشت زمان طولانی و محدودیت‌های علمی، هیچ کدام از خواهان‌ها قادر نبودند، اثبات نمایند که رفتار خطا کارانه کدام کارفرما

سبب بروز این بیماری شده است. هر چند که اثبات این امر که یکی از کارفرمایان (شخص غیرمعین از میان اشخاص معین) سبب این خسارت بوده است، امکان پذیر بود. در هر حال بر اساس معیارهای سببی سببیت، هیچ یک از کارفرمایان، سبب ایجاد بیماری و بروز خسارت به شمار نمی آمد.

مجلس اعیان حکم کرد که معیار مناسب در این وضعیت این است که آیا خواننده به طور مؤثر خطر آسیب به شاکی را افزایش داده است یا خیر. کارفرمایان به نحو تضامنی (Joint and Severally) در برابر خواهانها، مسئول هستند (البته اگر میزان مشارکت خوانندگان در ایجاد خطر یکسان نباشد، می توانند علیه یکدیگر دعوا مطرح نمایند). در هر حال، خوانندگان را به کلی از مسئولیت مبرا دانستن، نادرست است. بنابراین مشاهده می شود که در رویه قضایی انگلیس نیز، فرض رابطه سببیت پذیرفته شده است. در واقع بدون چنین فرضی، باتوجه به عدم امکان اثبات رابطه سببیت، محکوم کردن خوانندگان به جبران خسارت، بی معناست.

باتوجه به اهمیت و کارکرد رویه قضایی، برخی حقوقدانان بر این باورند که در مواردی که شخص با تقصیر خود خطری ایجاد می کند که در پی آن خساراتی به بار می آید و نمی توان با حتمیت معلوم کرد که تقصیر در تحقق زیان نقش داشته است یا نه، اما خطر ناشی از تقصیر به گونه ای است که تحقق زیان را محتمل یا دست کم قابل پیش بینی می گرداند، رویه قضایی باید برای کمک به زیان دیده در اثبات رابطه سببی، وجود این رابطه را میان تقصیر و خسارت مفروض انگارد (ژوردن، ۱۳۹۱، ص ۱۰۹-۱۱۰).

۳-۲. فرض سببیت در قانون

باتوجه به لزوم توجه قوانین به نیازهای جامعه و جلوگیری از گریز افراد مقصر از جبران خسارت، قانونگذار دو کشور در موارد محدودی، فرض رابطه سببیت را پذیرفته اند.

۳-۲-۱. قوانین انگلیس

در حقوق انگلیس، قانون غرامت (Compensation Act 2006) در سال ۲۰۰۶ به تصویب رسید که در بخش سوم آن، مسئولیت تضامنی همه خواندگانی که دیگری را به نحو غیرقانونی در معرض آزیست قرار داده‌اند، پذیرفته شد. در این بند مقرر گردیده است که اگر چه به دلیل ماهیت مزوتلیوما و وضعیت علم پزشکی، امکان پذیر نیست که دقیقاً مشخص شود، آیا قرار گرفتن در معرض آزیست که به دستور یا اجازه غیرقانونی دیگری بوده موجب بروز بیماری شده یا ابتلای به آن از طریق دیگری بوده است، اما شخصی که دیگری را در معرض آزیست قرار داده است، مسئول آسیب ناشی از این بیماری است (https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2006/29/section/3).

آشکار است که این قانون خاص، اثبات رابطه سببیت را از عهده خواننده برداشته است و میان اقدامات غیرقانونی خواننده و خسارت وارده، سببیت را فرض کرده است. این قانون اگرچه مسئولیت اشخاصی که دیگران را در معرض آزیست قرار می‌دهند را پذیرفت، اما بر خلاف برخی آرای قضایی که پیش از آن، صادر شده بود و مسئولیت نسبی برای خواندگان قایل شده بود، مسئولیت تضامنی همه آنها را استوار و قانونی کرد (Law Commission Issues Paper, 2012, p.52).

۳-۲-۲. قوانین ایران

در حقوق ایران، مواردی را می‌توان یافت که قانونگذار در آن‌ها، رابطه سببیت را مفروض انگاشته است و خواهان را از اثبات آن بی‌نیاز می‌کند. در ادامه به بیان مصادیقی از این فرض می‌پردازیم.

الف) علم اجمالی به سبب جنایت

قانونگذار در مورد پرداخت دیه، هرگاه سبب مجمل باشد، برای همه خواندگانی که مشخص نیست زیان وارده، در اثر فعل کدام یک از آنها بوده، رابطه سببیت را فرض کرده است. ماده ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص پرداخت دیه، هرگاه در اثر رفتاری، عده‌ای کشته یا مصدوم

شوند وجنایت مستند به برخی از رفتارها باشد و مرتکب هر رفتار مشخص نباشد، حکم به پرداخت آن، به طور مساوی داده است. کاملاً آشکار است که در فرض مطرح شده، نمی‌توان مشخص کرد که کدام یک از خواندگان (مشتکی عنهم) سبب ورود خسارت بوده است و اساساً با عنایت به ماهیت حادثه، امکان انتساب ورود ضرر به همه خواندگان وجود ندارد بلکه صرفاً یک یا چند نفر از آنها می‌تواند عامل ورود زیان باشد، ولی با این حال، قانونگذار رابطه سببیت بین فعل همه خواندگان با ورود خسارت به خواهان (شاکی) را مسلم قلمداد کرده است.

ب) ضمان غاصب

از موارد دیگر فرض رابطه سببیت، مسئولیت غاصب است. ماده ۳۱۵ قانون مدنی در این خصوص مقرر می‌کند: «غاصب مسوول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او به مال مغضوب وارد شده باشد هر چند مستند به فعل او نباشد» این دیدگاه مستند به قاعده فقهی «علی الید ما اخذت حتی تودی» است و برای تحقق این ضمان نه تنها تقصیر سهمی ندارد، بلکه رابطه علیت مادی میان فعل متصرف و ضرر نیز ضروری نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۱۶۸) به دیگر بیان، قانونگذار وجود رابطه سببیت، میان ضرر و رفتار غاصب را مفروض انگاشته است. البته هر امینی که از امانتداری خارج شود نیز مشمول این قاعده می‌گردد (ماده ۶۱۴ ق.م.م.) مانند مسئولیت مستاجری که تعدی و تفریط نموده است، نسبت به هرگونه خسارت وارده به مورد اجاره، حتی اگر نقص و ضرر در نتیجه تفریط یا تعدی وی حاصل نشده باشد (ماده ۴۹۳ ق.م.م.) در فقه بنابر نظر مشهور، مسئولیت اخذ بالسوم یعنی کسی که کالایی را برای بررسی به منظور خرید، در اختیار می‌گیرد، همان مسئولیت غاصب است (سیستانی، ۱۳۹۷، ص ۳۵۲) و نسبت به تلف و نقص آن به هردلیلی حتی اگر منسوب به او نباشد، ضامن است.

ج) پرداخت خسارت در موارد تعیین وجه التزام

برابر ماده ۲۳۰ قانون مدنی در موارد تعیین وجه التزام قراردادی که شرط می‌گردد در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تادیبه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آن چه که ملزم شده است، محکوم نماید. ملاحظه می‌گردد که در مورد مذکور، قانونگذار هم ضرر و هم رابطه سببیت میان ضرر و عهدشکنی را مفروض دانسته است و بر همین اساس، حتی اگر متخلف ثابت نماید که هیچ ضرری به متعهدله نرسیده است یا ضرر وارده به متعهدله ناشی از عهدشکنی وی نیست، تاثیری در محکومیت او به پرداخت خسارت نخواهد داشت.

د) تخلف از تعهد به نتیجه

در حقوق فرانسه فرض رابطه سببیت در مواردی که شخص تعهد به نتیجه دارد پذیرفته شده است (ژوردن، ۱۳۹۱، ص ۱۰۹) در حقوق ایران نیز می‌توان همین دیدگاه را پذیرفت. بنابراین وقتی که تعمیرکار آسانسور یا خودرو، سرویس‌های ماهیانه یا دوره‌ای ارائه می‌دهد، نمی‌توان خود را از جبران خسارات ناشی از عیوب آسانسور یا خودرو معاف بداند.

ه) مسئولیت مدیر مسئول

به نظر می‌رسد، فرض رابطه سببیت در قانون مطبوعات نسبت به مسئولیت مدیرمسئول نیز پذیرفته شده است. تبصره ۴ ذیل ماده ۹ این قانون بیان می‌کند که «مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه به عهده مدیرمسئول خواهد بود». بدیهی است که کلیه مطالب توسط مدیرمسئول نوشته و بررسی نمی‌شود و اثبات این نکته که مطلب به چاپ رسیده توسط مدیرمسئول تهیه نشده است و هیچ اطلاعی از آن نداشته است، اثری در مسئولیت وی، نسبت به آن مطلب ندارد. در واقع در این جا نیز قانونگذار رابطه سببیت را مفروض دانسته است. باید به این نکته توجه داشت که بر خلاف موارد فرض تقصیر که در آن امکان معافیت در صورت

اثبات رعایت همه جوانب احتیاط وجود دارد، مثل مسئولیت کارفرما نسبت به خساراتی که از طرف کارکنان و کارگران در حین انجام کار یا به مناسبت آن انجام می‌شود (ماده ۱۲ ق.م.م.)، در خصوص مدیرمسئول، چنین امری پیش‌بینی نشده است و نمی‌توان مسئولیت وی را مبتنی بر فرض تقصیر دانست.

بنابراین آشکار است که در هر دو کشور، فرض سببیت به صورت محدود پذیرفته شده است. از توجه به این موارد در می‌یابیم که، موارد مذکور در راستای گسترش عدالت و حمایت از زیان دیده در مواردی است که با وجود ورود خسارت به خواننده و تقصیر خواهان و وجود قراینی بر وجود رابطه سببیت میان تقصیر و خسارت، بار اثبات این رابطه از عهده خواهان برداشته شده است.

۴. رابطه فرض سببیت با اجمال در سبب

یکی از موارد جاری کردن فرض رابطه سببیت، اجمال در سبب است. به بیان روشن‌تر می‌توان قایل شد که در همه موارد اجمال سبب، دادگاه خواهان را از اثبات رابطه سببیت میان ضرر وارده و اقدامات همه خوانندگان دعوا معاف می‌کند. البته هریک از خوانندگان در صورتی که اثبات نماید ضرر وارده منتسب به وی نیست، از مسئولیت رها می‌شود، اما اگر نتواند این امر را اثبات نماید، باید از خواهان جبران خسارت نماید. در ادامه این مقاله به اثبات این موضوع می‌پردازیم.

برای تبیین این دیدگاه، نخست باید سبب مجمل را بشناسیم. سبب وقتی مجمل است که دو یا چند شخص در فعالیت مشارکت داشته باشند و از فعل یکی از آنان زبانی به بارآید، اما عامل زیان مشخص نباشد. در این گونه موارد علم اجمالی وجود دارد که یکی از اشخاص موردنظر وارد کننده زیان است، ولی هویت او مشخص نیست (صفایی و رحیمی، ۱۴۰۰، ص ۲۲۷-۲۲۸).

در گام بعدی باید مشخص شود که آیا در مواردی که سبب مجمل است، دادگاه باید چه تصمیمی بگیرد؟ آیا به صرف اجمال سبب می‌توان همه خوانندگان

را تبرئه کرد؟ یا باتوجه به وجود علم اجمالی به وجود سبب، دادگاه باید همه یا بعضی از خواندگان را محکوم به جبران خسارت نماید؟ در صورتی که نظر دوم پذیرفته شود، این امر به طور ضمنی به معنای قبول نظریه فرض رابطه سببیت می باشد؛ زیرا محکوم کردن همه یا بعضی از خواندگان به پرداخت ضرر به معنای پذیرش رابطه سببیت میان فعل آن خوانده و ضرر وارده خواهد بود.

در پاسخ به این پرسش در حقوق ایران، باید گفت که دادگاه نمی تواند به صرف اجمال سبب، خواندگانی که علم اجمالی به مسئولیت یکی یا بعضی از ایشان دارد را، از پرداخت خسارت معاف نماید. ریشه های این دیدگاه را باید در دیدگاه های فقهی و قواعد عقلی پذیرفته شده در حقوق ما دانست.

از نظر فقهی، مبحث تنجیز و علم اجمالی می تواند در موضوع بحث بسیار کارآمد و راه گشا باشد و به همین دلیل به اختصار به این موضوع می پردازیم. در علم اصول فقه، علم تفصیلی موجب منجز شدن تکلیف،^۱ هم نسبت به موافقت قطعی و هم نسبت به حرمت مخالفت قطعی می گردد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۹) در واقع وقتی علم تفصیلی به حکمی پیدا می کنیم، حق مخالفت با آن را نداریم و همچنین واجب است که مطابق آن عمل کنیم، اما علم اجمالی چگونه است؟ آیا علم اجمالی موجب منجز شدن تکلیف هم نسبت به حرمت مخالفت قطعی و هم وجوب موافقت قطعی می گردد؟

نظر مشهور بر آن است که مخالفت با علم اجمالی حرام است (حکیم، ۱۴۳۴، ص ۲۲۰/صدر، ۱۴۲۳، ص ۱۱۳) البته برخی فقها علاوه بر حرمت مخالفت قطعی، موافقت با علم اجمالی را نیز واجب دانسته اند. در هر حال ظاهراً حرمت مخالفت با علم اجمالی، در میان فقیهان مخالفی ندارد و حتی برخی در این خصوص ادعای اجماع کرده اند و معتقدند که هیچ یک از علما

۱. عنوان تنجیز در کلمات فقها با اضافه به تکلیف و نیز مصادیق تکلیف، یعنی وجوب و حرمت به کار رفته و در اصول فقه از مراتب حکم شمرده شده است که مراد از آن رسیدن حکم به مرحله ای است که مخالفت آن موجب عقاب می گردد. از دیدگاه امامیه، تکالیف الهی بین عالم و جاهل مشترک است، لیکن علم به آن همچون قدرت و التفات، شرط تنجیز تکلیف دانسته شده است. از دیدگاه بسیاری در تنجیز تکلیف فرقی بین علم تفصیلی و علم اجمالی نیست (مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، فرهنگ فقه فارسی، ج ۲، ص ۶۴۰؛ به نقل از: <https://lib.eshia.ir/23017/2/640>).

بر جایز بودن مخالفت قطعی با علم اجمالی تصریح ننموده است به جز علامه مجلسی (کلانتری طهرانی، ۱۴۲۵، ص ۴۴۶) دیدگاه مشهور مبنی بر حرمت مخالفت قطعی با علم اجمالی، مورد تأیید عقل و همسو با بنای عقلا نیز می باشد (همان، ص ۵۰۳).

حال از این دیدگاه اصولیون، می توان در خصوص مسئولیت مدنی سبب مجمل نیز بهره گرفت. در واقع در موارد اجمال سبب نیز علم اجمالی به سبب بودن یکی از اشخاص به نحو غیر معین وجود دارد، اما مسبب واقعی مشخص نیست. در این موارد نیز قاضی نمی تواند با چنین علمی به صورت قطعی مخالفت نماید و هیچ یک از خوانندگان را مسئول قلمداد ننماید. به دیگر بیان علم اجمالی موجب تکلیف وی به رسیدگی و صدور حکم می گردد، زیرا در غیر این صورت با علم اجمالی به صورت قطعی مخالفت نموده که مخالف عقل و نظر مشهور فقها می باشد.

از سوی دیگر، لازمه عدم مخالفت قطعی با علم اجمالی توسط دادگاه، صدور حکم به محکومیت یک یا همه خوانندگان، حسب دیدگاهی که در خصوص نحوه توزیع مسئولیت در این باب پذیرفته شود (ر.ک: رنجبر و دیگران، ۱۳۹۹)، می باشد و لازمه چنین حکمی نیز، وجود رابطه سببیت میان فعل خواننده یا خوانندگان با خسارت وارده است، اما از آن جا که این رابطه سببیت، محرز نیست، دادگاه چاره ای جز فرض وجود این رابطه را نخواهد داشت. به دیگر بیان در همه موارد اجمال سبب، دادگاه باید رابطه سببیت را مفروض قلمداد نماید.

در تأیید این دیدگاه، همچنین می توان به قاعده لاضرر استناد کرد. طبق این قاعده که هر حکم ضرری را، حتی اگر ظاهراً شرعی باشد، غیر شرعی می داند و وجود حکم ضرری در شرع را نفی می کند، نمی توان عدم مسئولیت اشخاص موضوع علم اجمالی را پذیرفت. به عبارت دیگر با وجود محرز بودن ورود ضرر به خواهان و علم اجمالی به سببیت خواننده، حکم به عدم جبران خسارت از

خواهان به دلیل نبود علم تفصیلی به سببیت خوانده، حکمی ضرری است که شرعاً نفی شده است (ر.ک: رنجبر و دیگران، ۱۳۹۹).

قانونگذار ایران نیز این دیدگاه را پذیرفته است. به این شرح که حکم مقرر در ماده ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص پرداخت دیه در مواردی که جنایت مستند به برخی از رفتارها باشد و مرتکب هر رفتار مشخص نباشد، حکمی استثنایی نیست و قابل تعمیم به سایر موارد اجمال سبب می‌باشد. در واقع دیه ویژگی خاصی ندارد تا این حکم قانونگذار را مخصوص موارد پرداخت دیه بدانیم. علاوه بر این رویه قضایی نیز با عنایت به آرای که پیش‌تر بیان شده، فرض رابطه سببیت در موارد اجمال سبب را تأیید کرده است.

در حقوق انگلیس همان‌گونه که در سطور پیشین دیدیم در پرونده موسوم به فیرچیلد، با وجود مجمل بودن سبب، مجلس اعیان، رابطه سبب را مفروض انگاشت و به محکومیت تضامنی همه خواندگان حکم داد. در انگلیس این پرسش مطرح شده است که آیا تصمیم مجلس اعیان در فیرچیلد، مخصوص بیماری ناشی از آزیست است یا در هر موردی که سبب مجمل است یعنی علم به سببیت شخصی غیر معین از میان اشخاص معین وجود دارد، قابل اعمال است؟ در پاسخ برخی نویسندگان بر این باورند که چنین فرضی شامل همه موارد سبب مجمل می‌گردد. در واقع تأیید تصمیم اتخاذی توسط دادگاه کالیفرنیا در دعوی Summers v Tice, 33 Cal 2d 80; 199 P 2d 1 (California Supreme Court, 1948) و توسط دادگاه کانادایی در دعوی Cook v Lewis [1951] SCR 830 از سوی مجلس اعیان انگلستان در پرونده فیرچیلد، این دیدگاه را تقویت می‌کند که حکم صادره در فیرچیلد معطوف به مواردی است که در آن عامل زیان غیرمعین و مجمل (Indeterminate) است. در دو پرونده آمریکایی و کانادایی، خواهان توسط یک شکارچی مورد هدف گلوله قرار گرفته بود ولی از آن جا که در

زمان حادثه دو شکارچی حضور داشتند و هر دو هم زمان شلیک کرده بودند، مشخص نبود که کدام شکارچی سبب بوده است (Steel, 2012, p. 246).

نتیجه

رابطه سببیت، یکی از ارکان مسئولیت مدنی است که احراز آن از در دعاوی مطالبه خسارت ضروری است. این رابطه باید توسط خواهان دعوا، اثبات گردد. با این حال گاه اثبات رابطه سببیت بسیار دشوار است و علی رغم مشخص بودن تقصیر یا فعل زیانبار خواننده و ورود زیان به خواهان، وی توان اثبات این رابطه را ندارد و از طرفی عدالت و منطق اقتضا می کند که چنین خواننده ای، به حال خود رها نشود. از همین رو در برخی نظام های حقوقی، دادگاه با رعایت شرایط خاصی، این رابطه را مفروض می انگارد و به این ترتیب به یاری زیان دیده می شتابد.

در قوانین دو کشور مواردی از برقراری فرض رابطه سببیت مشاهده می گردد که این موارد جنبه استثنایی و محدود دارد. در رویه قضایی ایران اگرچه ازسوی دادگاه به فرض رابطه سببیت، اشاره نشده است، اما آرای وجود دارد که در آن این فرض به کار گرفته شده است و از جمله آن می توان به رای صادر شده در پرونده معروف به هموفیلی ها اشاره کرد. در حقوق انگلیس نیز با عنایت به تصمیم مجلس اعیان در پرونده موسوم به فیرچیلد، از چنین فرضی در مواردی که امکان اثبات رابطه سببیت به دلیل نامعین بودن مسبب، وجود ندارد، استفاده شده است.

یکی از موارد لزوم فرض رابطه سببیت، سبب مجمل است. در این موارد با عنایت به وجود علم اجمالی به سبب و با توجه به منجز شدن تکلیف در صورت وجود علم اجمالی، چاره ای جز فرض سببیت باقی نمی ماند. رویه قضایی و قانونگذار (ماده ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) نیز که بر اساس مبانی فقهی و عقلی، در موارد اجمال سبب، خواندگان یا متهمان را

از پرداخت خسارت یا دیه تبرئه ننموده است، به طور ضمنی، نظریه فرض سببیت را قبول کرده است. زیرا در غیر این صورت، مسئول دانستن یکی یا همه خواندگان، فاقد مبنای حقوقی می باشد.

لزوم توجه علم حقوق به عدالت، ضرورت های اجتماعی و تعاملات اقتصادی، ایجاب می نماید که علم حقوق خود را با نیازهای روز جامعه منطبق نماید. قانون و رویه قضایی باید در مواردی که شخص با تقصیر خود خساراتی به بار می آورد و نتوان به طور قطع مشخص نمود که تقصیر، سبب ورود زیان بوده است، اما تقصیر به نحوی است که ورود زیان را محتمل یا قابل پیش بینی می کند، به یاری زیان دیده آیند و فرض سببیت را برقرار نمایند. در موارد قانونی و قضایی که در این نوشتار بیان شد، می توان ردپای همین انگیزه را، آشکارا دید. هر چند این موارد باید استثنایی و محدود باشد و از توسعه غیر ضروری مفهوم فرض سببیت، جلوگیری کرد. با این حال در برخی مصادیق بسیار مهم مسئولیت مدنی، همچون مسئولیت تولید و توزیع کنندگان مواد غذایی و دارو نسبت به مواد فاسد و مسئولیت دارندگان صنایع بزرگ نسبت به زیان هایی که به اشخاص وارد می کنند و مسئولیت صنایع آلاینده نسبت به آلودگی زیست محیطی، باید با بهره گیری از این مفهوم حقوقی به یاری زیان دیدگان، همت گماشت.

منابع

افشارقوچانی، زهره و سیدمحمدباقر حسینی؛ «مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی سبب مجمل»، پژوهش های حقوق تطبیقی؛ ش ۱، بهار ۱۳۹۳، ص ۱-۲۲.

بادینی، حسن؛ فلسفه مسئولیت مدنی؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.

جعفری چالشتی، محمود، یوسف براری چناری و مجتبی جهانیان؛ «مسئولیت مدنی سبب مجمل در حقوق مدنی ایران و فقه امامیه»، فصلنامه علمی دانشنامه های حقوقی؛ ش ۴، مهر ۱۳۹۸، ص ۸۱-۱۰۰.

حاجی عزیزی، بیژن و نگین غلامی؛ «جایگاه فرض سببیت در مسئولیت مدنی»، پژوهش های

حقوق تطبیقی؛ ش ۲، تابستان ۱۳۹۲، ص ۲۵-۴۵.

حکیم، سید محمد سعید؛ *المحکم فی أصول الفقه*؛ ج ۴، ق ۴، قم: دارالهلال، ۱۴۳۴ ق.
حلی (علامه حلی)، ابو منصور جمال الدین حسن بن یوسف بن علی بن مطهر؛ *قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام*؛ ج ۳، ق ۱، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ ق.

رنجبر، سپیده، سید حسین صفایی، منصور امینی و حسن بادینی؛ «مسئولیت مدنی در سبب مجمل: تحول حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان»، *فصلنامه تعالی حقوق*؛ ش ۴، زمستان ۱۳۹۹، ص ۸۳-۶۰.

روانان، علی، سید مهدی میرداداشی، محمد صادقی و ابراهیم دلشاد معارف؛ «مسئولیت مدنی سبب مجمل تیم پزشکی در حقوق ایران و انگلستان»، *فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی*؛ ش ۵۷، پاییز ۱۳۹۸، ص ۹۴-۷۳.

روانان، علی؛ «رابطه سببیت سبب مجمل در حقوق ایران، انگلستان و هندوستان»، *دوفصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان*؛ ش ۳۸، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۶۶-۴۹.

ژوردن، پاتریس؛ *اصول مسئولیت مدنی*؛ ترجمه مجید ادیب؛ ج ۳، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۱.
سیستانی، سید علی؛ *منهاج الصالحین*؛ ج ۲، مشهد: پیام طوس، ۱۳۹۷.

شیروی، عبدالحسین؛ *حقوق نفت و گاز*؛ ج ۴، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۷.

صفایی، سید حسین و حبیب الله رحیمی؛ *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*؛ ج ۱۴، تهران: انتشارات سمت، ۱۴۰۰.

کاتوزیان، ناصر؛ *الزام های خارج از قرارداد*، ضمان قهری؛ ج ۸، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
کلانتری خلیل آباد، عباس و سعیده سلیمانی بایطاق؛ «مسئولیت مدنی سبب مجمل با رویکردی بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، *پژوهش های فقهی*؛ ش ۲، تابستان ۱۳۹۴، ص ۴۱۳-۴۴۲.

کلانتری طهرانی، میرزا ابوالقاسم؛ *مطارح الأنظار*؛ ج ۳، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۵ ق.

مشکینی، علی؛ *إصطلاحات الأصول*؛ ج ۱، ق ۵، قم: نشر الهادی، ۱۳۷۱.

موسوی بن جوردی، سید محمد؛ *علم اصول*؛ ج ۱، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۹.

عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)؛ *الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة*؛ ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، [بی تا].

هنجری، سید علی و سعید فرهادنیا؛ «جایگاه مفهوم سببیت در حقوق بین الملل»، *فصلنامه*

مطالعات حقوق عمومی؛ ش ۳، پاییز ۱۳۹۶، ص ۷۹۷-۸۱۷.

یزدانیان، علیرضا؛ حقوق مدنی، قواعد عمومی مسئولیت مدنی؛ ج ۱، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۶.

Koziol, Helmut; *Basic Questions of Tort Law from a Comparative Perspective*; Wien: Jan Sramek Verlag, 2015.

Law Commission Issues Paper; *REVIEW OF JOINT AND SEVERAL LIABILITY*; New Zealand: IWillington, 2012.

Mills, William, 2002, *Contributory Negligence*, Trial Briefs: p. 29, www.ncaj.com /file – depot; Libby, Michael, 2007, *Contributory Negligence*, DoldenWallacefolick. www.Dolden.Com/content

Plakokefalos, Ilias; “*Causation in the Law of State Responsibility and the Problem of Overdetermination: In Search of Clarity*”; The European Journal of International Law Vol. 26 Oxford University Press on behalf of EJIL Ltd, no.2, 2015.

STEEL, SANDY; “*CAUSATION IN ENGLISH TORT LAW: STILL WRONG AFTER ALL THESE YEARS*”; University of Queensland Law Journal, no.243, 2012.

Weinrib, Ernest; “*A Step Forward in Factual Causation*”; The Modern Law Review, no.38, 1975

Wright, Richard W; “*CAUSATION IN TORT LAW*”; California Law Review, no.73, December 1985

دسترسی تیرماه ۱۴۰۰ <http://classic.austlii.edu.au/au/journals/UQLawJl/2012/12.pdf>

دسترسی تیرماه ۱۴۰۰ <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2006/29/section/3>